

# تجربہ فرانکلین

امروزہ کتاب آراستہ و ویراستہ کتابی است مطابق با سطح توقع گروه چشمگیری از قشر کتابخوان ایران. ولی با توجه به معیارهای حاکم بر صنعت نشر کشور در سالهای بعد از شهریور ۱۳۲۰ و ادوار پیشینش این سطح توقعی نبود که حاصل طبیعی و تدریجی روند تکامل آن صنعت به حساب آید. در این فاصله دگرگونی و تحولی اساسی رخ داد که رکن عمده آن بر تجربه مؤسسه انتشارات فرانکلین استوار بود. *نگاهی گذران به جوانی چند از این تجربه هدف اصلی این بررسی است.*

در سالهای نخست دهه ۱۳۳۰، یعنی در حیوة جنگ سرد در عرصه تحولات جهانی برای ترویج فرهنگ و تمدن آمریکایی در بخش هایی از جهان عقب مانده یا در حال توسعه آن روزگار با کمکهای مالی تنی چند از ناشران آمریکایی که مشمول معافیت های مالیاتی نیز می گشت، مؤسسه ای تشکیل شد به نام «برنامه های کتاب فرانکلین» Franklin Book Programs. گذشته از ایران بسیاری از دیگر کشورهای آسیایی چون مصر، عراق، پاکستان، اندونزی و مالزی... نیز مشمول این طرح شدند. در سال ۱۳۳۳، در پی سفر تنی چند از مدیران مؤسسه فرانکلین به ایران، شعبه محلی این مؤسسه با بودجه ای معادل دو هزار دلار در ماه ودو کارمند، به ریاست همایون صنعتی زاده تاسیس شد. در عرض چند سال این مؤسسه به تشکیلاتی تبدیل شد با تاثیری دیرپا بر صنعت نشر ایران. وظیفه اولیه فرانکلین نشر کتاب نبود، بلکه از میان کتاب هایی که از آمریکا برای مؤسسه ارسال می شد

نمونه هایی را انتخاب، پس از ترتیب ترجمه آنها، متن آماده شده را در ازای مبلغی به یکی از ناشران علاقه مند موجود ارائه می کرد. به عبارت دیگر کار فرانکلین با آماده سازی کتاب برای انتشار آغاز گشت و با این اقدام برای نخستین بار در صنعت نشر کشور نه تنها عمل ویرایش که تولید فنی کتاب یعنی توجه به جوانبی چون صفحه آرایی، نمایه سازی، طرح جلد... نیز به سعی و دقت هر رمز وحید به نحوی شایسته و اساسی مورد توجه قرار گرفت.

یک بخش دیگر از خدمات موسسه یعنی بخش ویرایش کتابهای غیر درسی فرانکلین که با توجه به دشواری هایی چون لزوم استخدام و تعلیم افرادی که در عین تسلط بر دو زبان فارسی و خارجی با موضوع کار نیز آشنایی داشته باشند، با تلاش و هزینه، بالنسبه سنگینی توأم بود تحت سرپرستی منوچهر انور شکل گرفت سپس در ایام تصدی نجف دریا بندری، حمید عنایت، کریم امامی و دکتر حسن مرندي به تشکیلاتی گسترده تبدیل شد که در یک مرحله از حدود سی کارمند و بودجه ای معادل سه میلیون تومان برخوردار بود. یکی از مهمترین دستاوردهای موسسه فرانکلین

دگرگون ساختن وضعیت نابسامان کتابهای درسی مدارس ابتدایی و متوسطه کشور بود. تجربه موسسه فرانکلین تهران در زمینه کتب درسی از زمانی آغاز شد که از بدو تأسیس شعبه تهران تأمین کتاب های مورد نیاز وزارت معارف افغانستان را بر عهده گرفت و علیرغم دشواری هایی چون نظارت بر چاپ و انتشار یک صد و بیست عنوان کتاب مختلف درسی به زبانهای فارسی دری و پشتو در چاپخانه های کشور و رفع مشکلاتی غیر قابل پیش بینی چون ترسیدن کاغذ سفارش داده شده برای کتاب های درسی مزبور به علت بحران سوئز در ۱۳۳۵ که به انسداد کانال سوئز منجر شد، در این کار توفیق یافت.

تا پیش از سال ۱۳۳۵ که تهیه کتاب های درسی متوسطه نیز همانند کتاب های ابتدایی بر عهده وزارت فرهنگ قرار گرفت، تدوین کتاب های درسی دبیرستانها از

هیچ نوع نظم و هم آهنگی خاصی برخوردار نبوده موسسه فرانکلین با توجه به تجاربی که در چاپ کتاب های درسی افغانستان اندوخته بود به وزارت فرهنگ پیشنهاد کرد که چاپ و تولید کتب درسی ابتدایی را بر عهده گیرد. با موافقت سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی با تأمین هزینه تهیه کتاب های مزبور، موسسه فرانکلین در مقام مباشر چاپ سازمان خدمات کار خود را در این زمینه آغاز کرد. هم زمان با تصمیم آموزش و پرورش مبنی بر تغییر و اصلاح کتب درسی، موسسه فرانکلین در سال ۱۳۳۸ گروهی مرکب از شانزده نفر از نویسندگان کتابهای درسی و کارکنان فنی موسسه را در این زمینه برای طی یک دوره هشت ماهه آموزشی به اروپا و ایالات متحده اعزام داشت. این گروه پس از بازگشت به ایران، هسته اولیه سازمان تهیه و تألیف کتابهای درسی را تشکیل داد که هدف اصلی آن نگارش و تجدید نظر در کتب درسی دبستانی بود. نخستین مجموعه از این کتب در سال ۱۳۴۰ در

در عرض چند سال موسسه فرانکلین به تشکیلاتی تبدیل شد با تأثیری دیرپا بر صنعت نشر ایران.

دسترس دانش آموزان قرار گرفت .

با تصویب قانون انحصاری بودن تالیف کتاب های درسی در زمان وزارت فرهنگ دکتر خانلری در ۱۳۴۲ که به تشکیل سازمان کتابهای درسی در وزارت آموزش و پرورش منجر شد ، سازمان تهیه و تالیف کتاب های درسی فرانکلین منحل شد ولی نقش موسسه در مقام یک واسطه سه جانبه میان سازمان کتابهای درسی ، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و شرکت چاپ افست ، از نقطه نظر نظارت بر اموری چون تامین کاغذ مورد نیاز ، چاپ و تحویل به آموزش و پرورش تا مراحل پایانی کار ادامه یافت . درآمد حاصله از مباحثت فرانکلین در چاپ کتابهای درسی منبع اصلی درآمد فرانکلین را تشکیل می داد . در همین مرحله بود که فرانکلین لزوم تاسیس یک چاپخانه مجهز را طرح کرد . شرکت سهامی افست که با سرمایه گذاری تعدادی از ناشران و دیگر افراد شکل گرفت ، حاصل این طرح بود که تحت مسئولیت فرانکلین تاسیس شد . این مرکز کار خود را از سال ۱۳۳۷ با چاپ کتب درسی آغاز کرد و در عرض چند سال با وارد کردن وسایل جدید چاپ و صحافی به بزرگترین چاپخانه ایران ، با حوزه کاری به مراتب وسیعتر از چاپ کتب درسی تبدیل شد .

یکی دیگر از طرح هایی که فرانکلین در مواجهه با تجربه تهیه کتب درسی با آن روبرو شد ، مسئله تامین کاغذ مورد نیاز بود . پس از تاسیس کارخانه قند نیشکر درخوزستان و امکان بهره برداری از تفاله نیشکر در تولید کاغذ ، کارخانه کاغذ پارس با مشاوره فنی موسسه فرانکلین و مشارکت مالی بخش های خصوصی و دولتی ، تاسیس و از ۱۳۴۷ شروع به کار کرد .

همانگونه که اشاره شد ، فرانکلین یک موسسه انتشاراتی نبود ، بلکه وظیفه داشت از مجموعه کتابهایی که دریافت می داشت ، تعدادی را انتخاب و پس از ترتیب ترجمه و آماده سازی متن کتب مزبور را در اختیار ناشران علاقه مند قرار دهد . ولی کار موسسه فقط به ترجمه متون خارجی اختصاص نداشت ، انتخاب و نظارت بر تالیف یا تجدید چاپ کتابهای فارسی را نیز شامل گشت .

فرانکلین در طول فعالیت بیست و سه ساله خود حدود ۸۳۳ عنوان کتاب در زمینه های کلیات (دائرة المعارف ، فرهنگ و اطلس) ، فلسفه و روانشناسی ؛ ادبیات ؛ علوم اجتماعی شامل مباحث جامعه شناسی ؛ علوم سیاسی ؛ اقتصاد ؛ علوم اداری و آموزش و پرورش ؛ علوم و تاریخ علم ؛ هنر ؛ ادبیات (ترجمه رمان های آمریکایی ، انگلیسی و روسی و ادبیات فارسی) ؛ تاریخ و جغرافیا و ایرانشناسی به چاپ سپرد .

در این زمینه می توان به عنوان نمونه به آثار زیر اشاره کرد : از صبا تا نیما تحقیق یحیی آرین پور در باب تاریخ ادبیات معاصر ایران ، ترجمه حمید عنایت از فلسفه هگل ستیس ، یکصد مقاله ادبی و تاریخی ملک الشعراء بهار (به کوشش محمد گلبن) که تحت عنوان بهار و ادب فارسی ، چاپ شاهنامه فردوسی (نسخه یا یسنقری و آلبومی از میناتورها و صفحات تذهیب شده آن) ، ترجمه دوره تاریخ تمدن ویل دورانت ، شاهکارهای هنر ایران آرتر آپهام پوپ و آنالیز

یکی دیگر از آثار مهمی که به همت فرانکلین آغاز شد دایرة المعارف فارسی است. این طرح در سال ۱۳۳۴ بر اساس پیشنهادی مبنی بر ترجمه دایره المعارف یک جلدی کلمبیا وایکینگ شکل گرفت. با انتصاب دکتر غلامحسین مصاحب به سرپرستی این طرح برخی از مدخل های بی ربط متن اصلی حذف و با طرحی که جهت افزودن مدخلهای جدید در زمینه تاریخ و جغرافیای ایران و آسیا و به طور کلی جهان اسلام ارائه شد از حالت ترجمه محض خارج گشت. توضیحات و تجربه ای که در چگونگی ضبط اعلام، ارجاعات، علائم اختصاری، نحوه تلفظ و دیگر موارد مشابه گرد آمد و در مقدمه و متن جلد نخست دایرة المعارف منعکس شد، هنوز مرجع و راهنمایی اساسی در این زمینه است. جلد اول (آ-س) در سال ۱۳۴۵ و جلد دوم آن (ش-ل) نیز در سال ۱۳۵۸ منتشر شد و از سرنوشت جلد سوم نیز اطلاعی در دست نیست.

در اشاره به کارنامه مطبوعاتی فرانکلین جا دارد به دو مجموعه نشریات پیک و مجله کتاب امروز نیز اشاره شود. چنین به نظر می آید که نشریات پیک بیشتر طرحی بود برآمده از تجربه موسسه در کار کتب درسی. این بخش در سال ۱۳۴۳ با همکاری وزارت آموزش و پرورش تحت عنوان «مرکز تهیه خواندنیهای نوسودان» به وجود آمد و فعالیت های آن با انتشار مجله پیک دانش آموز آغاز شد. در مراحل بعدی که با توسعه حوزه فعالیت های مرکز (و تبدیل نام آن به مرکز انتشارات آموزشی) توأم شد در این رشته انتشارات نشریات متنوعی چون پیک کودک، نوآموز، دانش آموز، نوجوانان، جوانان، معلم و خانواده ... را در بر گرفت.

کتاب امروز که در مجموع در هشت شماره در فاصله سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳ منتشر شد، نشریه ای بود مختص کتاب. بخش اصلی هر شماره به انعکاس جلسات بحث و گفتگوی تنی چند از صاحب نظران اختصاص داشت که با حضور یکی از نویسندگان یا مترجمان مشهور به بررسی آثار او می پرداخت. نقد و معرفی کتاب های جدید و اخبار کتاب نیز از جمله دیگر بخش های این نشریه بود.

سازمان کتابهای جیبی که ارائه کتاب در قطع کوچک و بیهای ارزان را هدف داشت نیز از جمله موسساتی بود که در سال ۱۳۳۹ در کنار دیگر فعالیتهای فرانکلین شروع به کار کرد. در آغاز سازمان کتاب های جیبی قصد داشت در تطابق با سیاست کلی فرانکلین کتاب های مورد نظر را با چنین مشخصات و قطعی به دیگر ناشران عرضه کرده و آنها نیز آثار پیشنهادی را مانند دیگر کتب فرانکلین منتشر سازند، ولی این طرح با موفقیت چندانی روبرو نشد. اصولاً چنین به نظر می آید

کارخانه ' کاغذ  
پارس با  
مشاوره ' فنی  
موسسه '  
فرانکلین و  
مشارکت مالی  
بخش های  
خصوصی و  
دولتی،  
تأسیس و از  
سال ۱۳۴۷  
شروع به کار  
کرد.

که عواملی چون سلیقه «روشنفکر» مآبانه اکثریت قریب به اتفاق کتابخوان‌ها که مانع از روتق بخش سبک و تفریحی کتاب‌های جیبی شد، سوددهی بالنسبه نازل این رشته کتاب‌ها از نقطه نظر کتابفروش‌ها در مقایسه با کتاب‌های گران قیمت و یک رشته عوامل دیگر مانع از آن شد که سازمان کتاب‌های جیبی بتواند از لحاظ مالی به استقلال لازم نایل آید.

در سال ۱۳۴۸ سازمان کتاب‌های جیبی به عنوان یک شرکت سهامی انتفاعی به ثبت رسید و به صورت یک شرکت مستقل در آمد. هم زمان با این دگرگونی شرکت کتاب‌های جیبی انتشار کتاب را در قطع‌هایی دیگر آغاز کرد که با استقبال بیشتری روبرو شد. علاوه بر این انتشار مجموعه‌های موفقی چون رشته کتب گزیده سخن پارسی زیر نظر احمد سمعی گیلانی در معرفی و ارائه شاهکارهای ادب فارسی؛ مجموعه‌های جامعه و اقتصاد زیر نظر ناصر پاکدامن و اندیشه و اجتماع زیر نظر حمید عنایت نیز در توسعه کار و تامین استقلال مالی شرکت کتاب‌های جیبی در فاصله سالهای ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۵ موثر بود.

از سالهای آخر دهه ۱۳۴۰، یعنی چند سالی پس از آن که همایون صنعتی زاده در سال ۱۳۴۴ با پذیرش مدیریت عامل کاغذ پارس از فرانکلین کناره گرفت و علی اصغر مهاجر به جای او سرپرستی موسسه را عهده دار شد، وضع فرانکلین رو به نابسامانی نهاد. شاید یکی از نخستین نمونه‌های آشکار این دگرگونی را بتوان در دشواری‌هایی ملاحظه کرد که در کار دایرة المعارف پیش آمد. در پی افزایش فشار مدیریت جدید فرانکلین برای انجام هر چه سریعتر کار دکتر غلامحسین مصاحب در سال ۱۳۵۰ سرپرستی آن را ترك کرد و هر چند برای مدتی رضا اقصی سعی کرد به نوعی کار را به پایان برد، ولی جلد سوم آن چنانچه اشاره شد هنوز هم منتشر نشده است.

احتمالاً تغییر مدیریت را می‌توان بعنوان یکی از علل مهم این دگرگونی بر شمرد. مگر نه آن که همت و پشتکار همایون صنعتی زاده در بهره‌برداری از عواملی چون امکان فراهم آمده از موسسه فرانکلین آمریکا، حسن ظن و حمایت معنوی رجال ذی نفوذ و فرهنگ دوستی چون سید حسن تقی زاده، و گردآوری طیف وسیعی از چهره‌های فرهنگی و فنی کار کتاب و فراهم آوردن فضای برای آنها که فعالیت‌هایشان را جوانبی بیش از یک رشته وظایف اداری بخشید... نقش تعیین کننده‌ای در موفقیت اولیه فرانکلین ایفا کرد؟ مگر نه حکایت از آن است که مدیریت پیشین در خدمت فرانکلین بود ولی در مرحله بعد بالعکس؟ ولی این به تنهایی در توضیح علل افول فرانکلین کافی نیست. یکی دیگر از علل امر را باید در رابطه خاص شعبه تهران با موسسه مادر در نیویورک جستجو کرد. فرانکلین تهران، شعبه‌ای بود که می‌بایست مانند دیگر شعب فرانکلین در «جهان سوم» به «ترویج تمدن و فرهنگ آمریکایی» بپردازد. ولی چنانچه اشاره شد در عرض مدت زمانی کوتاه به موسسه‌ای تبدیل شد با اهداف و برنامه‌هایی به مراتب گسترده‌تر از این امر. عواملی چون تامین استقلال مالی شعبه تهران و همچنین افول تدریجی مرکز نیویورک و تعطیل شعب آن در سایر کشورها

نیز در این دگرگونی موثر افتاد. در واقع با سرد شدن تنور جنگ سرد، یا به عبارت دیگر تغییر نوع تاکتیک‌های این نبرد، فرانکلین خاصیت اولیه‌اش را از دست داد و حتی در مراحل بعدی خود از لحاظ مالی به شعبه‌ای تبدیل شد از فرانکلین تهران. از این رو زمینه اصلی این دگرگونی، یعنی خودمختاری فرانکلین تهران که همچون شمشیری دو دم در یک مرحله در جهت ایجاد تحولی بزرگ در صنعت نشر ایران عمل کرد و در مرحله‌ای دیگر عاملی شد در تسهیل فروپاشی بعدی، از همان مراحل اولیه شکل‌گیری فرانکلین موجود بود.

با توجه به وضعیت فوق‌الذکر و نبود هدف و هدایتی مشخص از مرکز - که از جهاتی بد هم نبود- یکی از عواملی که می‌توانست در جلوگیری از این سیر نزولی موثر افتد درک و شناخت عمومی از اهمیت کار بود. مردم، اهل کتاب، مسئولان، روشنفکران... تحول حاصله را شناخته، لزوم تثبیت و تداوم این نوآوری‌ها را حس کرده و تدابیری در این زمینه اتخاذ کنند. البته نه تنها چنین گرایشی شکل نگرفت، که برداشت غالب با سوءظن و طعنه و تخطئه نیز توأم گشت. و چه نمونه‌ای گویاتر از نقد و نظر جلال آل احمد در این باب که تحت عنوان «بلبشوی کتاب‌های درسی» و «درباره همایون صنعتی زاده» و «فرانکلین» منتشر شد و خود مقدمه‌ای بود بر ارزیابی‌های بعدی.

در سال ۱۳۵۵ به علت نارسایی‌هایی که در امر توزیع کتاب‌های درسی پیش آمدین آموزش و پرورش و موسسه فرانکلین اختلاف‌هایی بوجود آمد و فرانکلین با کناره‌گیری از این کار مهمترین منبع مالی خود را از دست داد. در همین ایام نابسامانی‌های موسسه در امر تولید نشریات پیک و دیگر نشریات مربوط به مرکز انتشارات آموزشی تأثیر نهاد و به قطع رابطه آن مرکز با فرانکلین منجر شد. سازمان کتابهای جیبی نیز در همین سال، و در ادامه همین مسیر به انتشارات امیرکبیر فروخته شد. در بهمن ۱۳۵۶ کلیه دارایی‌ها، تعهدات، طرح‌ها و برنامه‌های موسسه فرانکلین به یک موسسه ایرانی موسوم به «سازمان آموزشی نوزم» منتقل و بدین ترتیب شعبه تهران فرانکلین منحل شد.

پس از پیروزی انقلاب، دولت برای ادامه فعالیت‌های این موسسه تدابیری اتخاذ کرد؛ در اسفند ۱۳۷۳ شورای انقلاب موسوی گرمارودی را به سرپرستی سازمان آموزشی نوزم منصوب کرد. چند سالی نیز تحت عنوان «انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی»، تحت مدیریت محمدی ارده‌الی فعالیت کرد تا آن که در اواخر دهه ۱۳۶۰ با ادغام در تشکیلات وزارت فرهنگ و آموزش عالی، از صورت یک موسسه مستقل خارج شد و بالاخره از آغاز سال ۱۳۷۳ نیز تحت عنوان مرکز انتشارات علمی و فرهنگی با انتشارات علمی و فرهنگی (بنگاه ترجمه و نشر کتاب سابق) ادغام گردید.

اگرچه در این دوره «فرانکلین سابق» با تبدیل به یک موسسه دولتی از امکانات چشمگیری

توضیح علل  
افول فرانکلین  
را، علاوه بر  
تغییر مدیریت  
باید در  
رابطه خاص  
شعبه تهران  
و موسسه  
مادر در  
نیویورک نیز  
جستجو کرد.

برخوردار گشت ولی هیچگاه پویایی و ابتکار عمل گذشته خود را اعاده نکرد. و این در حالی است که به رغم رشد و توسعه همه جانبه صنعت نشر در سالهای بعد از انقلاب وجود مراکز فارغ از ملاحظات تجارتی و حکومتی موجود جهت ارائه و اشاعه آخرین دستاوردهای فنی و فرهنگی نشر در کشور بیش از پیش محسوس است.

کتاب ۶۳

## یادداشت ها

این گزارش بر اساس پایان نامه فوق لیسانس کتابداری خانم زیلا یادگار بررسی فعالیت های موسسه انتشارات فرانکلین، دانشگاه تهران، ۱۳۵۸. و گفتگوهایی با آقایان کریم امامی و هرمز همایون پور تهیه شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی